

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	فصل اول: آشنایی
۱	مقدمه
۶	وضعیت جغرافیایی-طبیعی
۱۱	فصل دوم: دوران پارینه‌سنگی
۱۱	پارینه‌سنگی قدیم
۱۲	پارینه‌سنگی میانی
۲۰	پارینه‌سنگی جدید
۲۲	فصل سوم: دوران نوسنگی و تولیدکنندگان غذا
۲۲	شرایط لازم برای تولید غذا
۲۵	دوره نوسنگی در شبه قاره هند
۴۲	فصل چهارم: دوره پیش از سند-هاراپا در هند
۴۲	محوطه‌های پیش از سند
۶۰	ارتباطات محوطه‌های هندی پیش از سند و هاراپا با دیگر محوطه‌های منطقه
۶۴	فصل پنجم: تمدن سندی-هاراپایی
۶۴	مرزهای تمدن سند و طبیعت آن
۶۸	محوطه‌های سندی و الگوهای آنان
۸۶	موهنجودارو و هاراپا

صفحه	عنوان
۸۸	موهنجودارو
۱۰۰	هاراپا
۱۱۶	جنوب سند
۱۱۶	لوتال
۱۲۴	فصل ششم: فرهنگهای پیش از سند و سند قدیم
۱۲۴	بلوچستان
۱۲۴	زمینه‌های جغرافیایی
۱۲۶	دوره‌های نوسنگی و فلز در بلوچستان
۱۳۸	دوره نوسنگی پیش از سفال
۱۴۰	دوره کچی
۱۴۱	دوره کیلی گل محمد
۱۴۳	دوره بالاکوت
۱۴۵	دوره کچی بگ
۱۴۷	دوره فیض محمد
۱۵۰	دوره دامب سادات
۱۵۲	دوره پریانو
۱۵۲	دوره نال
۱۵۴	دوره کولی
۱۵۷	دوره هاراپا
۱۵۸	دوره سیبری
۱۵۸	دوره پیراک
۱۵۹	مهرگره
۱۶۱	دوره I (MR3)
۱۶۷	دوره II (MR4)
۱۷۰	دوره III (MR2)
۱۷۳	دوره IV (MR1)
۱۷۹	دوره V
۱۸۰	دوره VI

صفحه	عنوان
۱۸۵	دوره VII
۱۹۲	نتیجه
۱۹۹	فصل هفتم: بلوچستان ایران
۲۱۴	فصل هشتم: افغانستان
۲۱۸	دوره نوسنگی و پرستش بز
۲۱۹	کشاورزان یکجانشین
۲۲۱	جنوب افغانستان
۲۲۲	موندیگا ک
۲۴۲	سعیدقلعه
۲۴۵	ده موراسی گوندای
۲۴۵	محوطه‌های کناره هیرمند
۲۴۶	روابط خارجی
۲۴۹	شمال افغانستان
۲۵۴	فصل نهم: پیوندهای فرهنگی سند و پنجاب با ایران
۲۵۶	زمینه‌های فرهنگی پیش از اسلام
۲۵۷	ارتباطات ایران با سند، پنجاب و بلوچستان پاکستان، پیش از ۴۰۰۰ پیش از میلاد
۲۶۰	هزاره چهارم (۴۰۰۰-۳۰۰۰ پ.م.)
۲۶۳	هزاره سوم (۳۰۰۰-۲۰۰۰ پ.م.)
۲۷۵	هزاره‌های دوم و اول پیش از میلاد
۲۸۳	فصل دهم: جامعه هندی پیش از تاریخ
۲۸۳	ساختارهای اجتماعی سند
۲۸۶	طبقات اجتماعی
۲۸۷	مذهب
۲۹۲	هنر و صنعت
۲۹۷	کتابت
۳۰۲	تجارت و ارتباطات بین‌المللی

صفحه	عنوان
۳۱۳	فصل یازدهم: گاه‌نگاری و سقوط
۳۱۳	گاه‌نگاری
۳۱۷	انقراض تمدن سند
۳۲۰	منابع و مآخذ
۳۲۰	منابع شکلها
۳۲۲	منابع لوحه‌ها
۳۲۴	کتابنامه

فهرست شکلها

صفحه	عنوان
۱۳	شکل ۲-۱ محوطه‌های دوران سنگ
۱۵	شکل ۲-۲ توزیع محوطه‌های پارینه‌سنگی میانی در راجستان
۱۷	شکل ۲-۳ راجستان. تیغه‌ها و ابزار سنگی پارینه‌سنگی میانی
۱۷	شکل ۲-۴ ابزار اوایل دوران سنگ. براچ و گامبھیری
۱۸	شکل ۲-۵ راجستان، دشتهای براچ و گامبھیری. ابزار سنگی دوران اوایل پارینه سنگی
۱۹	شکل ۲-۶ لنگک ناج. ابزارهای دوران نوسنگی
۳۲	شکل ۳-۱ مهر گره. منظره ایزومتریک منطقه نوسنگی
۴۳	شکل ۴-۱ محوطه‌های پیش از هاراپا در سند و بلوچستان پاکستان
۴۷	شکل ۴-۲ امری. سفال منقوش دوره IA
۴۷	شکل ۴-۳ امری. سفال منقوش (۱ تا ۱۰ و ۱۲: دوره IB: ۱۱، ۱۳ و ۱۴: دوره IC)
۴۸	شکل ۴-۴ امری. سفالهای منقوش مرحله امری
۴۹	شکل ۴-۵ امری. سفال دوره ID
۴۹	شکل ۴-۶ امری. سفال دوره IB
۵۱	شکل ۴-۷ کوت دیجی. سفالهای منقوش مرحله کوت دیجی
۵۱	شکل ۴-۸ کوت دیجی. سفال پیش از هاراپا
۵۵	شکل ۴-۹ کالی‌بنگان
۵۷	شکل ۴-۱۰ سفالهای نوع B کالی‌بنگان و عناصر تزئین آنها
۵۷	شکل ۴-۱۱ کالی‌بنگان. سفال دوره پیش از هاراپا
۶۵	شکل ۵-۱ نقشه گسترده تمدن سندی-هاراپایی در شبه قاره هند
۷۱	شکل ۵-۲ مقایسه نقشه‌های موهنجودارو و هاراپا
۷۲	شکل ۵-۳ بازسازی داخل یک خانه تمدن سندی
۷۶	شکل ۵-۴ نوشارو. نقشه خانه‌های حفاری شده
۷۷	شکل ۵-۵ گسترش تمدنهای هندی و سندی در نیمه اول هزاره سوم پیش از میلاد

صفحه	عنوان
۷۸	شکل ۵-۶ گسترش شهرهای هندی و سندی در نیمه هزاره سوم پیش از میلاد
۷۸	شکل ۵-۷ گسترش شهرهای هندی و سندی در نیمه دوم هزاره سوم پیش از میلاد
۸۹	شکل ۵-۸ نقشه خیابانهای موهنجودارو
۹۳	شکل ۵-۹ الف) موهنجودارو. نقشه حمام بزرگ. ب) برش عمقی حمام بزرگ و سیلو
۹۵	شکل ۵-۱۰ موهنجودارو. نقشه سیلو
۹۷	شکل ۵-۱۱ موهنجودارو. خانه‌ها و خیابانها
۹۸	شکل ۵-۱۲ موهنجودارو. داخل حیاط شماره ۱۴
۹۸	شکل ۵-۱۳ موهنجودارو. خانه‌های شخصی
۱۰۱	شکل ۵-۱۴ موهنجودارو. برش شرقی-غربی منطقه سیلو
۱۰۲	شکل ۵-۱۵ هاراپا...
۱۰۴	شکل ۵-۱۶ موهنجودارو. بازسازی یک خانه
۱۰۴	شکل ۵-۱۷ بالاکوت. کف اتاق دوره هاراپا
۱۰۵	شکل ۵-۱۸ هاراپا. سیلو
۱۰۸	شکل ۵-۱۹ هاراپا. سفال گونه راوی
۱۰۹	شکل ۵-۲۰ هاراپا. سفال گورستان R37
۱۰۹	شکل ۵-۲۱ هاراپا. سفالهای گورستان R37
۱۱۰	شکل ۵-۲۲ هاراپا. سفالهای گورستان R37
۱۱۰	شکل ۵-۲۳ هاراپا. سفالهای گورستان R37
۱۱۱	شکل ۵-۲۴ هاراپا. سفال گورستان R37
۱۱۱	شکل ۵-۲۵ هاراپا. ظرفهای منقوش گورستان H
۱۱۲	شکل ۵-۲۶ سفال گورستان H
۱۱۲	شکل ۵-۲۷ هاراپا. ظرفهای سفالی گورستان R37
۱۱۷	شکل ۵-۲۸ لوتال
۱۲۶	شکل ۶-۱ نیندوراری
۱۲۷	شکل ۶-۲ میری کلات. سفال دوره II
۱۲۷	شکل ۶-۳ میری کلات. سفال خاکستری دوره III C
۱۲۷	شکل ۶-۴ میری کلات. سفال منقوش دوره III C
۱۲۸	شکل ۶-۵ میری کلات. سفال دوره III C
۱۲۹	شکل ۶-۶ میری کلات. سفال دوره III C
۱۲۹	شکل ۶-۷ میری کلات. سفال دوره III C
۱۳۲	شکل ۶-۸ نقشه باستانی بلوچستان
۱۳۴	شکل ۶-۹ فرهنگهای روستایی بلوچستان پاکستان

صفحه	عنوان
۱۳۴	شکل ۶-۱۰ فرهنگهای روستایی بلوچستان پاکستان
۱۳۶	شکل ۶-۱۱ آلتین تپه. سفال گونه کویته
۱۳۷	شکل ۶-۱۲ سفال گونه کویته
۱۴۲	شکل ۶-۱۳ مهرگره. سفالهای منقوش مرحله کیلی گل محمد دوره III
۱۴۲	شکل ۶-۱۴ کویته. الف) کیلی گل محمد II-I؛ ب) کیلی گل محمد III؛ پ) دامب سادات I
۱۴۴	شکل ۶-۱۵ بالاکوت. پاکستان کاوشهای سالهای ۱۹۷۳-۱۹۷۶
۱۴۴	شکل ۶-۱۶ بالاکوت. نقشه لایه‌های دوره بالایی هاراپا
۱۵۱	شکل ۶-۱۷ سفالهای مرحله دامب سادات در دشت کویته
۱۵۱	شکل ۶-۱۸ ویژگیهای اشیای دامب سادات II
۱۵۳	شکل ۶-۱۹ سفالهای منقوش مرحله پریانو
۱۵۴	شکل ۶-۲۰ سفالهای منقوش مرحله نال
۱۵۵	شکل ۶-۲۱ محوطه کولی
۱۵۶	شکل ۶-۲۲ سفال مهی II
۱۵۶	شکل ۶-۲۳ سفال محوطه‌های مهی و کولی
۱۵۷	شکل ۶-۲۴ بالاکوت. پیکره گاو...
۱۶۱	شکل ۶-۲۵ موقعیت مهرگره و بخشهای گوناگون آن
۱۶۳	شکل ۶-۲۶ مهرگره. ابزار سنگی MR3 دوره IB
۱۶۴	شکل ۶-۲۷ مهرگره. حفاری در MR3
۱۶۵	شکل ۶-۲۸ مهرگره. بازسازی خانه E. دوره IA
۱۶۶	شکل ۶-۲۹ مهرگره. نقشه بخش مرکزی گورستان نوسنگی دوره IB
۱۶۷	شکل ۶-۳۰ مهرگره. پیکره‌های گلی و سنگی دوره IB از MR3
۱۶۹	شکل ۶-۳۱ مهرگره. سفال منقوش دوره IIB از MR4
۱۷۱	شکل ۶-۳۲ مهرگره. سفال منقوش دوره IIB از MR4
۱۷۱	شکل ۶-۳۳ مهرگره. سفال منقوش دوره III از MR2
۱۷۲	شکل ۶-۳۴ مهرگره. سفال منقوش دوره III از MR3
۱۷۳	شکل ۶-۳۵ مهرگره. سفال منقوش دوره III از MR2
۱۷۶	شکل ۶-۳۶ مهرگره. سفال رنگارنگ تپه اصلی دوره IV
۱۷۶	شکل ۶-۳۷ مهرگره. سفال منقوش تپه اصلی دوره IV
۱۸۰	شکل ۶-۳۸ مهرگره. سفال منقوش تپه اصلی دوره V
۱۸۳	شکل ۶-۳۹ مهرگره. سفال منقوش از تپه اصلی دوره VI
۱۸۳	شکل ۶-۴۰ نقوش سفال‌ها، پیکره‌ها و مهرهای مسطح بلوچستان و آسیای مرکزی
۱۸۵	شکل ۶-۴۱ مهرگره. سفال منقوش از تپه اصلی دوره VI

صفحه	عنوان
۱۸۶	شکل ۶-۴۲ مهر گره. مصطبه یادمانی از تپه اصلی دوره VII
۱۸۷	شکل ۶-۴۳ مهر گره. بقایای ساختمانی دوره VII از تپه اصلی
۱۸۹	شکل ۶-۴۴ مهر گره. گورهای کودکان از تپه اصلی دوره VII
۲۰۴	شکل ۷-۱ سفال بمپور I
۲۰۴	شکل ۷-۲ سفال بمپور II
۲۰۵	شکل ۷-۳ سفال بمپور I-IV
۲۰۵	شکل ۷-۴ سفال بمپور IV
۲۰۶	شکل ۷-۵ سفال بمپور V
۲۰۷	شکل ۷-۶ سفال بمپور VI
۲۱۵	شکل ۸-۱ افغانستان. محوطه‌های دوره‌های نوسنگی و مفرغ
۲۲۳	شکل ۸-۲ موندیگاک. ساختارهای دوره‌های I-VI در موندیگاک
۲۲۶	شکل ۸-۳ موندیگاک A. نقشه و برش دیواره ستون‌دار در غرب کاخ
۲۲۷	شکل ۸-۴ موندیگاک A. نقشه کاخ. اولین بازسازی دوره IV
۲۲۹	شکل ۸-۵ موندیگاک G. نقشه معبد دوره IV
۲۳۲	شکل ۸-۶ موندیگاک. سفال دوره I ...
۲۳۳	شکل ۸-۷ موندیگاک. سفال دوره II ...
۲۳۴	شکل ۸-۸ موندیگاک. سفال دوره III ...
۲۳۴	شکل ۸-۹ موندیگاک. سفال منقوش دوره III
۲۳۶	شکل ۸-۱۰ موندیگاک. سفال منقوش دوره III. گونه کویته
۲۳۶	شکل ۸-۱۱ موندیگاک. سفال منقوش دوره III. گونه کویته
۲۳۷	شکل ۸-۱۲ موندیگاک. سفال دوره III ...
۲۳۷	شکل ۸-۱۳ موندیگاک. سفال چرخ‌ساز منقوش دوره IVI
۲۳۸	شکل ۸-۱۴ موندیگاک. سفالهای چرخ‌ساز منقوش دوره IVI
۲۳۹	شکل ۸-۱۵ موندیگاک. سفال چرخ‌ساز منقوش دوره IVI
۲۳۹	شکل ۸-۱۶ موندیگاک. سفال چرخ‌ساز منقوش دوره IVI
۲۴۰	شکل ۸-۱۷ موندیگاک. سفال منقوش دوره IVI گونه کویته
۲۴۰	شکل ۸-۱۸ موندیگاک. سفال چرخ‌ساز منقوش. دوره IV ...
۲۴۲	شکل ۸-۱۹ موندیگاک. اشیای مفرغی ...
۲۴۳	شکل ۸-۲۰ سعیدقلعه. نمونه معماری دوره II
۲۴۸	شکل ۸-۲۱ مقایسه نقشهای نماز گاه III (شماره‌های ۱-۶) و موندیگاک III (شماره‌های ۷-۱۲)
۲۵۰	شکل ۸-۲۲ ساختمان دایره‌شکل داشلی ۳

دوازده

صفحه	عنوان
۲۵۱	شکل ۸-۲۳ ویژگیهای اشیای محوطه‌های داشلی نزدیک آقچه
۲۵۲	شکل ۸-۲۴ کاخ داشلی ۳
۲۵۵	شکل ۹-۱ محوطه‌های اصلی پیش از تاریخ در ایران و پاکستان
۲۶۰	شکل ۹-۲ نقشهای قدیمی جانوری و هندسی بر روی سفالهای هزاره‌های پنجم و چهارم پ.م. در ایران و پاکستان ...
۲۶۴	شکل ۹-۳ نقشهای جانوری بر روی سفالهای ۳۵۰۰-۲۰۰۰ پ.م...
۲۶۴	شکل ۹-۴ نقشهای پولک ماهی...
۲۶۵	شکل ۹-۵ نقشهای هندسی مشابه بر روی سفال...
۲۶۵	شکل ۹-۶ ظروف سنگ صابونی منقور با نقشهای مشابه بر روی سطح خارجی ...
۲۶۹	شکل ۹-۷ سوزنهای مزین به نقش پیچیده حیوان و سایر نقشها، پیدا شده از ایران و پاکستان...
۲۶۹	شکل ۹-۸ مهرهای مسطح از جنس فلز و گل پخته ...
۲۷۱	شکل ۹-۹ نقشهای حلقه بر روی سفالهای سیاه زمینه قرمز...
۲۷۱	شکل ۹-۱۰ شکلها و نقشهای مشابه...
۲۷۱	شکل ۹-۱۱ نقشهای کژدم بر روی سفالهای ایران و پاکستان ...
۲۷۸	شکل ۹-۱۲ سفالهای سوراخ‌دار (آبکش)...
۲۷۸	شکل ۹-۱۳ فنجانهایی با لوله‌های بلند از جنس فلز و سفال، میانه هزاره دوم پ.م...
۲۷۹	شکل ۹-۱۴ سفال فرهنگ گندهارا (سمت چپ)، از سوات در شمال پاکستان، اواخر هزاره دوم پیش از میلاد متأثر از سفالهای سنتی حصار IIA و IIB (سمت راست) در ایران
۲۹۲	شکل ۱۰-۱ موهنجودارو. اشیای مفرغی - مسی
۲۹۳	شکل ۱۰-۲ موهنجودارو. ابزار و اسلحه‌های مسی - مفرغی
۲۹۸	شکل ۱۰-۳ بالاکوت. نشانه‌های سفالگران
۲۹۹	شکل ۱۰-۴ جدول مقایسه‌ای نشانه‌های به دست آمده از محوطه‌های ایرانی با نشانه‌های هاراپایی
۳۰۰	شکل ۱۰-۵ جدول مقایسه نشانه‌ها
۳۰۰	شکل ۱۰-۶ نشانه‌های هاراپایی
۳۰۰	شکل ۱۰-۷ نشانه‌های سندی - هاراپایی
۳۰۸	شکل ۱۰-۸ دیلمون (بحرین)، معبد بربر

فهرست لوحه‌ها

صفحه	فهرست
۳۲۹	لوحه ۱ الف) رود سند و روستای سکور، ب) محوطه کوت دیجی
۳۳۰	لوحه ۲ الف) رودخانه بولان و منطقه نوسنگی MR3، ب) مهرگره. محوطه نوسنگی MR3 در کنار رودخانه بولان
۳۳۱	لوحه ۳ الف) بورزاهوم، قبر سگ وحشی، دوره II، ب) بورزاهوم، تدفین یک شخص بالغ، دوره III و یک کودک، دوره II.
۳۳۲	لوحه ۴ الف) منظره هوایی موهنجودارو، ب) منظره هوایی حمام بزرگ
۳۳۳	لوحه ۵ الف) موهنجودارو، ارک و حمام بزرگ، ب) موهنجودارو، حمام بزرگ
۳۳۴	لوحه ۶ الف) موهنجودارو، کانال آب و فاضلاب، ب) موهنجودارو، جزئیات یک کانال
۳۳۵	لوحه ۷ الف) موهنجودارو، برش داخل دیوار دفاعی خشتی روی دیواره غربی ارک شهر، ب) موهنجودارو، خیابانی با جویهای تخلیه فاضلاب
۳۳۶	لوحه ۸ الف) موهنجودارو، چاه فاضلاب بادخانه سفالی، ب) موهنجودارو، کف یک مغازه
۳۳۷	لوحه ۹ الف) موهنجودارو، پیکره دختر رقصنده از مفرغ، ب) موهنجودارو، پیکره سنگی مرد ریشو
۳۳۸	لوحه ۱۰ الف) موهنجودارو، پیکره از گل پخته، ب) موهنجودارو، پیکره گلی با کلاه مضحک
۳۳۹	لوحه ۱۱ موهنجودارو، پیکره‌های پرندگان و جانوران
۳۴۰	لوحه ۱۲ الف) موهنجودارو، پیکره‌های ساخته شده از گل پخته، ب) موهنجودارو، سرهای سنگی
۳۴۱	لوحه ۱۳ الف) موهنجودارو، پیکره‌های گاو نر و گاومیش، ب) موهنجودارو، پیکره‌های گلی
۳۴۲	لوحه ۱۴ موهنجودارو، مهرهای مسطح از سنگ صابون با نقش جانوران و شخصیت‌های اساطیری
۳۴۳	لوحه ۱۵ الف) موهنجودارو، دیسک از گل پخته، ب) موهنجودارو، گردنبند از طلا و سنگ صابون

چهارده

صفحه	عنوان
	لوحة ۱۶ الف) هاراپا، دروازه و ورودی بسته شده در بخش غربی ارک، ب) هاراپا.
۳۴۴	سکوی نیم دایره کار
۳۴۵	لوحة ۱۷ هاراپا، بخشی از دیواره آجری شهر
	لوحة ۱۸ الف) هاراپا، ظرفهای سفالی منقوش، ب) هاراپا، سفالهای قرمز و لیوانهای سوراخ دار، پ) ظرفهای منقوش سفالی، هاراپا/نال، ت) هاراپا، ظرفهای سفالی دوره پیش از هاراپا
۳۴۶	لوحة ۱۹ الف) هاراپا، جواهرات، ب) هاراپا، مهرهای سنگ صابون، پ) هاراپا، آینه مفرغی، ت) هاراپا، خمره با اثر مهر
۳۴۷	لوحة ۲۰ الف) هاراپا، بیکره سنگی، ب) هاراپا، علائم هاراپایی
۳۴۸	لوحة ۲۱ الف) هاراپا، قبرستان R37، تدفین با تابوت چوبی، ب) هاراپا، قبرستان R37، قبر خشتی
۳۴۹	لوحة ۲۲ الف) لوتال، آبگیر، ب) لوتال، خیابان و خانه‌ها
۳۵۰	لوحة ۲۳ الف) لوتال، سفال منقوش، ب) لوتال، سفال منقوش
۳۵۱	لوحة ۲۴ الف) لوتال، سفال منقوش، ب) امری، سمت چپ: سفال منقوش دوره IC (حدود ۳۳۰۰ پ.م). سمت راست: سفال منقوش دوره IC (حدود ۳۰۰۰ پ.م).
۳۵۲	لوحة ۲۵ الف) راجستان، کالی‌بنگان، سفال گونه هاراپا، ب) راجستان، کالی‌بنگان، سفال گونه پیش از هاراپایی
۳۵۳	لوحة ۲۶ الف) کالی‌بنگان، ابزار دوره هاراپا، ب) راجستان، کالی‌بنگان، سر ساخته شده از گل پخته
۳۵۴	لوحة ۲۷ الف) شاهی تومپ، قبر دوره IIIa، ب) میری قلات، ظرفهای سفالی و مرمر دوره IIIa
۳۵۵	لوحة ۲۸ الف) مهرگره، منظره حفاری، HR3، ب) مهرگره، نمونه معماری هزاره دوم پیش از میلاد
۳۵۶	لوحة ۲۹ الف) خانه ساخته شده در کنار خیابان، ب) مهرگره، سیلو؟
۳۵۷	لوحة ۳۰ الف) سفال خاکستری منقوش، تپه اصلی، دوره VII، ب) مهرگره، کاسه خاکستری منقوش، تپه اصلی، دوره VII، پ) مهرگره، مهر دایره شکل با نقش جانوری، تپه اصلی، دوره VII، ت) مهر از جنس قیر، تپه اصلی، دوره VII، ث) مهرگره، ظروف رنگارنگ، حدود ۳۵۰۰ پیش از میلاد
۳۵۸	لوحة ۳۱ الف) مهرگره، انبارهای دوره VII (۲۷۰۰ پ.م)، ب) مهرگره، قبر شماره V سبیری (حدود ۲۰۰۰ پ.م).
۳۵۹	لوحة ۳۲ الف) مهرگره، قبر MR3-IS3 (دوره IB)، ب) مهرگره، تیغه‌های داس روی قیر
۳۶۰	

پانزده

صفحه	عنوان
۳۶۱	<p>لوحة ۳۳ الف) مهرگره، پیکره گلی زن، دوران نوسنگی، حدود ۳۵۰۰ پیش از میلاد، ب) مهرگره، پیکره زن، دوره VI، حدود ۳۰۰۰ پیش از میلاد، پ) مهرگره، پیکر زن و یک کودک، دوره VII (حدود ۲۷۰۰ پ.م.)، ت) مهرگره، تپه اصلی، پیکره‌های زنان دوره VII</p>
۳۶۲	<p>لوحة ۳۴ الف) سفال با نقطه‌های برجسته یکسان در ایران و پاکستان، ایران: طرح ۱، شاه‌تپه و طرح ۲، تپه گیان؛ پاکستان: طرح‌های ۳ و ۴، موهنجودارو، ب) نقش‌های جانوری، ایران: طرح ۱، سیلک III₇ اواخر هزاره چهارم پیش از میلاد، پاکستان: طرح ۲، موهنجودارو، میانه هزاره سوم پیش از میلاد، پ) سفالهای نخودی با نقش‌های مشابه، ایران: طرح ۱، تپه یحیی VC؛ پاکستان: طرح ۲، جلیل پور II، ت) سفال گونه کویته با نقش‌های هندسی مشخص متأثر از نقش‌های سنتی جنوب ایران: طرح، شهر سوخته؛ پاکستان: طرح‌های ۲ و ۳، دامب‌سادات III (کویته)؛ طرح ۴، اسپنجی (سراوان کلات در بلوچستان).</p>
۳۶۳	<p>لوحة ۳۵ الف) ستونهای جبهه غربی کاخ موندیگااک، دوره VI₁، ب) تپه یحیی، بخشی از یک زیگورات بر روی سنگ صابونی</p>

آشنایی

مقدمه

فلات بزرگ ایران در موقعیت جغرافیایی خاصی واقع شده و به این سبب همواره در طول تاریخ طولانی‌اش همچون پلی بین شرق و غرب بوده است. این موقعیت ویژه جغرافیایی، از علل تأثیر و تأثر این فلات در سرنوشت و تاریخ مناطق اطراف خود و نشانه‌های این موقعیت ممتاز، به سبب وجود اسناد و مدارک کتبی و باستان‌شناختی در دوران اسلامی، به اندازه‌ای روشن است که شاید لزومی به تشریح آن نباشد، زیرا گذشته از وجود اسناد کتبی به زبانهای گوناگون، کتیبه‌ها و نوشته‌های فارسی بر روی آثار معماری باستانی منطقه گسترده‌ای که از سواحل دریای مدیترانه تا مرزهای کاشغر را در برمی‌گیرد و همچنین آثار درخشان نفوذ معماری و هنری آن در این سرزمینهای گسترده، و مدرک غیرقابل انکاری بر این مدعی است؛ اما این دخالت و تأثیر با تکیه بر شواهد و مدارک باستانی در زمانهای پیش از اسلام نیز به صورتی بسیار نیرومند وجود داشته و شاید اصلاً بتوان نفوذ فرهنگی دوران اسلامی را به‌عنوان میراثی از آنچه پیش از اسلام وجود داشته، به شمار آورد. طی برخوردهای فرهنگی، تجاری یا نظامی طی سده‌های طولانی میان ساکنان این فلات و مردم سرزمینهای دور و نزدیک، آنان نه تنها از سرچشمه‌های جوشان این تمدن سیراب شده‌اند، بلکه کج‌اندیشی و ساده‌انگاری خواهد بود اگر پنداشته شود تأثیرات عمیقی در گسترش فرهنگ و تمدن فلات ایران نداشته‌اند. حقیقت آن است که کلیه این سرزمینها از سرچشمه بزرگی به نام گهواره تمدن شرقی سیراب شده و در هر دوره به نامی و رسمی معروف و خواننده شده‌اند.

فلات ایران در میان مراکز مهم تمدنی جهان باستان واقع است که شالوده تمدن کنونی بر آن قرار دارد: آسیای مرکزی در شمال شرقی، شبه قاره هند در شرق، قفقاز و آناتولی در شمال غرب، بین‌النهرین در غرب و سواحل و کرانه‌های خلیج فارس در جنوب. بنابر شواهد باستان‌شناختی، ایران همواره با کلیه این سرزمینها رابطه داشته، اما به دلایلی که اینجا محل گفتگوی آن نیست، همواره بر رابطه این فلات با بین‌النهرین تأکید شده و شاید بدون اغراق بیش از ۹۰ درصد از مقالات و تحقیقات منتشر شده در مورد مسائل و پژوهشهای باستان‌شناختی ایران در مورد بین‌النهرین و به مراکز دیگر، که هر کدام تأثیر چشمگیری در شکل‌گیری تمدن ایرانی و جهانی داشته‌اند، توجه کافی نشده است. همین نکته، موجب به وجود آمدن تعبیر و تفسیرهای اشتباهی در مورد چگونگی شکل گرفتن مراکز تمدنی، نه تنها در فلات ایران، بلکه در سایر نقاط نیز شده است. طبیعی است آشنایی هر چه بیشتر با وضعیت تکاملی و تحولات صورت گرفته در هر یک از مراکز تمدنی یاد شده، علاوه بر شناسایی عمیق‌تر فرهنگ و تمدن فلات ایران به تصحیح برخی از اشتباهات تاریخی نیز منجر می‌شود. یکی از این مراکز مهم شبه قاره هند است که از دوران پارینه‌سنگی تا دوران تاریخی به صورت مستمر در تغییر و تبدیلهای فرهنگ مادی انسانی در تمدن جهانی و به تبع آن فلات ایران دخیل بوده است. مهم‌ترین بخش و دوره فرهنگی و تمدنی شبه قاره هند تمدن معروف به «سندی» یا «هاراپایی» است.

تمدن سند که به زبانهای اروپایی تمدن «ایندوس» خوانده می‌شود، در شمال غربی شبه قاره هند و مناطقی که امروزه بخشی از کشور پاکستان را تشکیل می‌دهد، در هزاره سوم پیش از میلاد شکل گرفته است. این تمدن که تمدن «هاراپا» نیز نامیده شده است، و این نام دومی را از یکی از بزرگ‌ترین شهرهای همین تمدن وام گرفته، از بزرگ‌ترین تمدنهای هزاره‌های سوم و دوم پیش از میلاد به شمار می‌رود. نشانه‌های اولیه این تمدن در دهه بیستم سده گذشته، در کاوشهای وسیع سرجان مارشال و مورتیمر ویلر در دو محوطه اصلی مربوط به آن یعنی موهنجودارو و هاراپا، کشف شده است. تعداد محوطه‌های شناخته شده مرتبط با این تمدن، که پیش‌تر حدود یکصد عدد بوده و با بررسیهای بیشتر در سالهای بعد به ۳۰۰ عدد رسیده، هم

اکنون به بیش از ۷۰۰ محوطه می‌رسد که در گستره‌ای بالغ بر بیش از یک میلیون کیلومتر مربع پخش شده‌اند و به نظر می‌رسد با گسترش هر چه بیشتر بررسی‌های باستان‌شناختی در شبه‌قاره هند، تعداد آنها در سالهای آینده افزایش یابد.

ویژگی تمدن سندی-هاراپایی، وضعیت معماری یکسان و یکنواختی شکل شهرنشینی و شهرسازی، یکسانی در محصولات تولیدی و بالاخره وسعت سرزمینهای آن است. چهار ویژگی اصلی این تمدن عبارت‌اند از وجود نقشه‌های دقیق شهرسازی، خیابانها و محلات راست گوشه با نقشه‌های پیش‌بینی شده و استفاده از آجر، که برای اولین بار در خدمت شهرسازی درآمده، از یک سو و گسترش سرزمینهایی که در برگرفته و بالاخره نوشته‌های آن که هنوز خوانده نشده است از سوی دیگر. به نظر نمی‌رسد طی صدها سال، در نحوه معماری این تمدن و نوع نوشته‌های آن تغییری ایجاد شده باشد و از این جهت و نیز به علت یکسانی شکل محصولات تولیدی آن، به نظر می‌رسد که این خصوصیت، در مورد وضعیت اجتماعی آن نیز صادق بوده که در این صورت یک مورد استثنایی در تاریخ فرهنگ و تمدن بشری است.

تمدن سند، همچون بسیاری از تمدنهای باستانی، براساس شیوه اقتصاد کشاورزی گسترده توأم با دامداری شکل گرفته است. در آنجا نیز، به مانند مصر و بین‌النهرین، گندم و جو کشت می‌شده و علاوه بر آن کشت و پرورش نخود و کنجد، که امروزه نیز در اقتصاد کشاورزی هند اهمیت دارد، رایج بوده است. درحالی که در مورد احتمال کشت برنج اطلاعات کافی در دست نیست، در مورد کشت پنبه، نه تنها می‌توان گفت که به‌طور حتم شناخته شده بوده، بلکه شاید بتوان گفت این محصول، برای نخستین بار در دنیای باستان در این منطقه و دوره به دست آمده است. براساس اطلاعات به دست آمده از کاوشهای تپه‌های باستانی مربوط به این تمدن، تقریباً تمام جانورانی که امروزه نیز در هند شناخته شده‌اند، در تمدن باستانی هاراپایی مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند: گاو کوهان‌دار، گاو میش، الاغ، گوسفند، بز، خوک، سگ و پرندگان خانگی و فیل، که احتمالاً در همان زمان اهلی شده بود.

تعداد محوطه‌های باستانی حفاری شده سندی کم است و به محوطه‌های معدودی منحصر می‌شود و در نتیجه اطلاعات ناچیزی از لایه‌های دوران پیش از

سندی در دست است. در میان محوطه‌های مربوط به دوران پیش از سند نشانی از تمدنهای پیش از هاراپایی دیده می‌شود و در هر صورت همین اطلاعات کم نیز فرضیه مبتنی بر ظهور ناگهانی تمدن سندی یا تأثیر تمدنهای غربی را در به وجود آمدن و شکل‌گیری این تمدن تأیید نمی‌کند. مهم‌ترین این محوطه‌ها عبارت‌اند از مهرگره، هاراپا، کالی‌بنگان، کوت‌دیجی، امری و رحمان‌دهری. به‌طور کلی می‌توان گفت که مواد فرهنگی قدیم پیش از دوران سندی در این محوطه‌ها با مواد فرهنگی هاراپایی و سندی متفاوت است و وجود گونه‌هایی از سفال و اشیای فلزی نشان می‌دهد که این محوطه‌ها در زمانهایی قدیم‌تر و پیش از تمدن هاراپایی شکل گرفته است.

برخی از نشانه‌های این فرضیه از ارتفاعات شمال غربی پاکستان به دست آمده است. بسیاری از محوطه‌های شمالی و شرقی بلوچستان پاکستان مربوط به نیمه اول هزاره سوم پیش از میلاد و دارای بعضی از مواد فرهنگی هستند که می‌توان آنها را گونه‌های آغازین و اولیه مواد فرهنگی دوره‌های بعدی موسوم به سندی دانست. برای مثال، چنان‌که در صفحات بعدی خواهید دید، محوطه کوت‌دیجی دارای گونه‌هایی از مواد فرهنگی است که در بسیاری از محوطه‌های پیش از دوران سندی پیدا شده است. در حقیقت بسیار محتمل است که این دسته از شهرهای دوره هاراپایی آغازین، زمینه‌های قدیم‌تر و اولیه شهرهای تکامل‌یافته بعدی تمدن سندی باشند. یک مثال روشن مربوط به معروف‌ترین محوطه تمدن سندی، یعنی موهنجودارو، است که هنوز حداقل حدود ۱۲ متر لایه باستانی حفاری نشده در زیر لایه‌های شناخته شده خود دارد و اصلاً معلوم نیست که این ضخامت ۱۲ متری به تمدن سندی مربوط است یا دوره‌های قدیم‌تر دیگر. حفاریات جدیدتر در هاراپا در لایه‌های قدیم‌تر، شاید به شناسایی لایه‌های قدیم‌تر تمدن سندی و پیش از سندی کمک کند. در حقیقت همین حفاریها در موهنجودارو، هاراپا و سایر محوطه‌های سندی نشان‌دهنده وجود چندین متر لایه پیش از سندی است که با لایه‌های سندی پوشیده شده است. حفاران محوطه‌های تمدن هاراپایی در پی تحقیقات گسترده خود در این محوطه‌ها، نشان داده‌اند که برخی از سفالها، که سندی خوانده می‌شود، در دوره‌های پیش از تمدن سندی نیز وجود داشته و به همین ترتیب نشان داده‌اند که

آثار معماری موجود در آنجا کاربردی بوده و در دوره پیش از سندی شکل گرفته و در دوره سندی نیز تداوم داشته است.

حفاری در کوره‌های سفالگری پیش از سندی نشان داده که سفال پیش از سندی و دوره سندی با یکدیگر مرتبط بوده و با روشهای شبیه به هم و در بخشهای واحدی از این محوطه‌ها تولید می‌شده است. کلیه این مدارک نشان می‌دهد که در آغاز راه شناختن زمینه‌های شکل‌گیری اولیه تمدن سندی-هاراپایی هستیم.

با وجود آنچه گفتیم، چنان که در صفحات آینده می‌بینم، چگونگی پیدایش این تمدن و سقوط آن، بیشتر از ۸۰ سال تحقیق در محوطه‌های گوناگون مرتبط، همچنان در پرده ابهام باقی مانده و ظهور و سقوط آن به عوامل گوناگونی نسبت داده شده است: ظهور این تمدن را بسیاری از باستان‌شناسان به فرهنگ کوت‌دیجی نسبت داده و آن را جد مستقیم تمدن سندی دانسته و دوره هاراپایی اولیه خوانده و تاریخ آن را ۲۸۰۰ تا ۲۵۰۰ پیش از میلاد و سقوط آن را ناشی از سیلابهای مهیب رودخانه سند و تغییرات پی‌درپی آب و هوایی، هجوم آریاییها یا ترکیبی از این دو عامل دانسته‌اند. البته هیچ‌یک از این فرضیات با مدارک قابل‌پذیرشی همراه نیست و چنان که در فصول آینده خواهیم دید، اصولاً نمی‌توان سقوط و افول تمدنی چنین گسترده و درخشان را به یکی از این عوامل و حتی به ترکیبی از هر دو آنها نسبت داد، زیرا گستردگی و توزیع این تمدن در منطقه‌ای با این وسعت، امکان وقوع چنین حادثه‌ای را نمی‌داده و برای پیدا کردن عوامل سقوط آن باید در پی پیدا کردن دلایل منطقی‌تری بود و بنابراین نمی‌توان به هیچ‌کدام از این دلایل سقوط و افول متکی بود.

اما تمدنهای شبه قاره هند را نمی‌توان و نباید تنها با تمدن سندی-هاراپایی تعریف کرد و ظهور و سقوط آن را به مثابه پیدایش و پایان یک دوره تمدنی در این شبه قاره بزرگ دانست. در دوره‌های پیش از سند و پس از آن، در آنجا، به مانند فلات ایران، منطقه زاگرس و بین‌النهرین، آثار بسیاری از حضور جوامعی در دورانهای گوناگون سنگ: پارینه‌سنگی اولیه تا دوره نوسنگی، از نوسنگی تا دوران فلز و شهرنشینی و همچنین دوره‌های بعد از هاراپایی، یعنی تمدنهای کوچ‌رو هزاره

دوم و دوران آهن و بالاخره دوران تاریخی نیز وجود دارد که هر کدام، چنان‌که پیش‌تر نیز اشاره شد، در تکوین و تحول فرهنگها و تمدنهای پیش و پس از خود تأثیر فراوان داشته‌اند. اما پیش از پرداختن به این مطالب آشنایی مختصری با طبیعت و جغرافیای شبه قاره هند لازم است.

وضعیت جغرافیایی - طبیعی

شبه قاره هند امروزه به بخشها و کشورهایی تقسیم شده که ارتباطات غیرقابل انکار فرهنگی و طبیعی با یکدیگر دارند و از طرفی هم همین ارتباطات طبیعی، اجتماعی و سیاسی با مناطق خارج از شبه قاره نیز برقرار است که خارج از مباحث طرح شده در این کتاب است. شبه قاره هندوستان از نظر تقسیمات سیاسی به چهار کشور مستقل هندوستان، پاکستان، بنگلادش، سیلان و منطقه‌ای با وضعیت نامشخص، یعنی کشمیر، تقسیم شده است که همگی وجوه اشتراک بسیاری در زمینه‌های طبیعی، فرهنگی، تاریخی و مذهبی دارند و از سوی دیگر به دلیل نزدیکی جغرافیایی به سرزمینهای اطراف یعنی افغانستان، ترکمنستان، قرقیزستان و بلوچستان ایران نیز به نوعی مرتبط هستند. طبیعتاً تقسیمات سیاسی امروزی در تعریف مشترکات جغرافیای طبیعی موجود تأثیری ندارد و بنابراین در تعریف وضعیت طبیعی شبه قاره هند، مواردی پیش می‌آید که از حدود مرزهای سیاسی امروزه بالاجبار خارج می‌شود و به آنها اشاره می‌کنیم، که البته به هیچ عنوان به مسائل ژئوپولیتیکی امروزی مرتبط نمی‌شود.

وضعیت طبیعی پاکستان امروزی و شمال هند تا حد زیادی به وضعیت طبیعی آسیای مرکزی بستگی دارد و از آن جدا نیست. دو رشته کوه کم‌ارتفاع کرتار (Kirthar) و سلیمان، بلوچستان پاکستان را از منطقه سند جدا می‌کند. بلندترین این سرزمینها، کویته مرکز ایالت بلوچستان پاکستان در ارتفاع ۳۳۰۰ متری قرار دارد و تنگه‌های معروف بولان و هارنای در این منطقه، احتمالاً از قدیم‌الایام برای تردد جوامع گوناگون استفاده می‌شده است. کویته امروزه نیز اعتبار خود را حفظ کرده، چون چهارراه اصلی ارتباطی شمال افغانستان و ماورای آن در آسیای مرکزی و شرقی با دشت سند و هند است. فلات بلند کلات در مرکز، و دره‌های حاصلخیز

رودخانه‌های زاب و لورالای در شمال پاکستان واقع شده‌اند. در این مناطق، آب و هوا گرم و خشک است، بنابراین پوشش گیاهی در آنجا خالی از انواع خشکزیان و بارندگیها معمولاً به صورت رگبارهای سیل‌آساست، در صورتی که در بقیه اوقات سال بستر رودخانه‌ها خشک است.

بررسیها در منطقه بیابان تار نشان می‌دهد که هر چند تا حدود ده هزار سال پیش آب و هوا خشک‌تر و حرکت شنهای روان زیادتر بوده، بارندگی بین سالهای ۸۰۰۰ تا ۷۵۰۰ پیش از میلاد بیشتر شده و رودخانه‌های پرآبی در دره‌های منطقه جریان پیدا کرده و کم شدن مقدار بارندگی در سالهای ۷۵۰۰ تا ۳۰۰۰ پیش از میلاد تأثیر چندانی بر دریاچه‌های آب شیرین نداشته است. براساس برخی داده‌ها مقدار بارندگی در سالهای ۳۰۰۰ تا ۱۸۰۰ پیش از میلاد در دشت سند، حدود ۵۰۰ میلی‌متر، بیش از امروز بوده که پس از آن دوره خشک‌تری جایگزین دوره پرباران شده و بنابر عقیده برخی از صاحب نظران، این تغییرات اقلیمی در افول تمدن هاراپا نقش مؤثری داشته است.

دوره سند و پیرامون آن به چندین منطقه طبیعی تقسیم می‌شود. رود سند در غرب منطقه و دره پرآب و حاصلخیز پیشاور در بخش بالایی آن قرار گرفته است که قسمتهای رودخانه کابل را نیز شامل می‌شود. این منطقه علاوه بر مزارع و کشتزارهای گوناگون دارای بیشه‌های بید مخملی، گز و توت نیز هست. رودخانه سند که به دلیل پرآبی و همچنین تغییر جریان مسیر شهرت دارد، از جنوب تبت سرچشمه می‌گیرد و در شمال کشمیر جریان پیدا می‌کند. این رودخانه پس از گذشتن از دره‌های چندین رشته کوه کم ارتفاع، سرزمینهای کوهپایه‌ای را از دشت حاصلخیز پنجاب جدا می‌کند. راه مهم ارتباطی هند با ایران و آسیای مرکزی از منطقه واقع بین سلسله جبال نمک و حاشیه هیمالیا می‌گذرد.

در سرزمینهای جنوبی‌تر، رودخانه سند از زمینهای پست و خشک منطقه سند می‌گذرد. در اینجا باریکه‌های جنگلی هنوز در ساحل رودخانه دیده می‌شود و در بخشهای شرقی و غربی رودخانه دره‌های رسوبی، شنی و گلی واقع شده که برخی رودخانه‌ها، از جمله نهر نارا در آنها جریان دارند. علاوه بر استفاده طبیعی از آب این رودخانه برای آبیاری و کشاورزی، از آن در حکم شاهراه مسیر شمالی- جنوبی نیز استفاده

می‌شود. کرانه‌های خشک سند و بلوچستان برای بارگیری سواحل مناسبی هستند. صحرای معروف و بزرگ تار، در کنار دره شرقی سند، از شرق به غرب کشیده شده است.

پنجاب، به معنای پنج رودخانه، منطقه رسوبی وسیعی است که از آبرفت‌های شسته شده با رودخانه سند و پنج شاخه اصلی آن به نامهای جلوم، چناب، راوی، بیز و سوتلج تشکیل شده و چنان که در صفحات بعدی خواهیم دید، هر کدام از آنها نقش مهمی در شکل‌گیری مراکز استقرار در دوره‌های گوناگون تاریخ شبه قاره هندوستان ایفا کرده‌اند. سرزمینهای واقع بین این رودخانه‌ها دو آب نامیده می‌شوند و با آنکه از لحاظ اقلیمی بسیار خشک و قاره‌ای هستند، در صورت استفاده از روشهای آبیاری، بی‌نهایت حاصلخیزند. دومین منطقه وسیع کشاورزی در شمال هند با رودخانه گنگ و شعبات آن از جمله یامونا- جمونا آبیاری می‌شود.

یکی از عوامل مهم تکامل فرهنگ در قدیم راههای ارتباطی بوده است. راههای ارتباطی هندوستان و پاکستان به سه بخش جدا از هم تقسیم می‌شود: مناطق مرکزی، حاشیه‌ای و مناطق کاملاً جدا مانده از یکدیگر. راههای اصلی فرهنگی و تجاری زمینی و مسیر حرکت قبایل و همچنین نقل و انتقالات نیروهای نظامی، در شبه قاره هند و سرزمینهای اطراف آن، معمولاً از سرزمینهای کوهستانی و صعب‌العبور و صحراها نمی‌گذشته، بلکه آنها را دور می‌زده است. با آنکه از رودخانه‌های بزرگ مانند سند و آمودریا نیز به‌عنوان راههای ارتباطی استفاده می‌شده، کرانه‌های قابل استفاده سواحل جنوبی ایران و مناطق مجاور آن در پاکستان نیز سطح ارتباطهای تجاری دریایی را در دوران پیش از تاریخ و دوران تمدن هاراپایی ارتقا داده بودند، اما در نهایت این راههای زمینی بوده‌اند که طی تمام دوره‌ها نقش اصلی ارتباطی را داشته‌اند.

راههای کاروانی زمینی از همان ابتدای دوره نوسنگی و آغاز کشاورزی از کنار کوههایی می‌گذشت که فلات ایران را در بر گرفته است. مشکل اصلی در این مسیرها، ارتفاعات بلند هندوکش است که بین آسیای مرکزی، پاکستان و هندوستان واقع شده. اما با آغاز شکوفایی تمدن سندی-هاراپایی، این مسیرهای مشکل و بسیار صعب‌العبور نیز همچون راههای دریایی گشوده استفاده شد. یکی از مدارک و شواهد جالب توجه برای استفاده از این راههای سخت، پیدایش پایگاههای تجاری زمینی هاراپایی در

محوطه باستانی شورتگای در شمال افغانستان و میانه مسیر رودخانه آمودریا، در فاصله حدود ۸۰۰ کیلومتری موهنجوداروست که ایستگاه مبادلاتی و ارتباطی فرهنگ دوران مفرغ دشت سند و دشتهای شمالی کویت داغ در ترکمنستان بوده است.

افغانستان سرزمینی تقریباً کوهستانی است که چهار پنجم مساحت آن را کوهستانها تشکیل می‌دهند. در مرکز این سرزمین کوههای پاراپامیسوس و هندوکش، که از غرب به شرق کشیده شده‌اند، سد غیرقابل نفوذی را به وجود آورده که سواحل چپ حوزه آمودریا را، که بیشتر آب آن امروزه داخل شنزارها می‌شود، از سرزمینهای جنوب جدا می‌کند. سلسله جبال پاراپامیسوس متشکل از ارتفاعات بلندی است که مهم‌ترین آنها به نام کوه سفید ارتفاعی بالغ بر ۴۲۰۰ متر دارد. دامنه‌های شمالی این کوهستانها را بیابانهایی با بوته‌ها و چمنزارهای کم دوام در بر گرفته است. بخش جنوبی که رطوبت بیشتری دارد، منطقه‌ای است استپی با بوته‌های علف و گیاهانی که تابستانها می‌سوزند و خشک می‌شوند و منطقه را به شکل صحرائی واقعی در می‌آورند.

منطقه هرات در حوزه تجن-هریرود واقع شده که ادامه شرقی مسیر گرگان-مشهد است. این منطقه حاصلخیز، با کوههایی که آن را در مقابل هوای سرد شمالی حفاظت می‌کند، در صورت آبیاری قابلیت تولید و برداشت دوبار محصول در سال را داراست. سرزمینهای پست بین کوههای هندوکش و رودخانه آمودریا بخشی از دشتهای مشترک دره تاجیک-افغان هستند که کوهپایه‌های آن با لایه‌های ضخیمی از سنگهای متخلخل پوشیده شده است.

کوههای هندوکش که رودخانه‌های بزرگ آرال و سند از آن سرچشمه می‌گیرد، شامل بلندیهای سلیمان و کوه بابا، با ۵۱۰۰ متر ارتفاع، و از مهم‌ترین مجموعه کوهها و منابع آبیاری افغانستان است. البته به جز این رودخانه‌های عمده دیگری چون هریرود، هیرمند و کابل نیز از آن سرچشمه می‌گیرد. منطقه هندوکش از دره‌های تنگ، باشکوه، پراکنده، یخچالها و صفحه‌های لغزنده گلی شکل گرفته است. برای عبور از شرق به غرب در این منطقه باید از ارتفاعات بلند تنگه خیر، ارتفاع ۲۹۸۷ متری، در مسیر جاده کابل به مزار شریف و معبر اونای، ارتفاع ۳۴۴۴ متری، بین کابل و هرات عبور کرد. قسمت شرقی هندوکش صحرائی مرتفع است.

شیب جنوبی بیابانهای چسبیده به آن نیز از گیاهان کم عمر پوشیده شده است. بارانهای تند مانسون شبه قاره هند تا اینجا راه می‌یابد، بنابراین این بخش از هندوکش از مناطق شمالی این کوهها، که دارای اقلیم قاره‌ای است، مرطوب‌تر است.

بیابانهای جنوب-غربی افغانستان را رودخانه هیرمند به دو بخش تقسیم می‌کند، که در کرانه‌های آن جنگل توگای و واحه‌های مزروعی واقع است. در محلی که این رودخانه به دلتای دائم‌التغییر خود یعنی دریاچه هامون در ایران می‌رسد نیزارهای بسیار زیادی قرار دارد. در شمال هیرمند دشتی خاک و کلوخه‌ای به نام دشت مارگو واقع شده و در جنوب آن بیابانهای سیستان با اقلیمی نیمه استوایی قرار گرفته است.

منابع

- * برای وضعیت طبیعی شبه قاره هندوستان و بخشهای شرقی فلات ایران ر.ک.:
- ماسون (۱۳۷۴)، «وضعیت طبیعی»، ص ۱-۲۶.
- Raikes (1979), *Prehistoric Iran and Baluchistan: The Environmental Constrains*. pp, 553-560.
- * برای کلیات باستان‌شناسی شبه قاره هند و پاکستان ر.ک.:
- Piggott (1964), *Prehistoric India to 1000 B. C.* pp. 330; Wheeler, (1968), *The Indus Civilization.*; B and R Allchin (1968), *The Birth of Indian, Civilization. India and Pakistan Before 500 B. C.* pp. 365; Agrawal (1984), *The Archaeology of India*; Lamberg-Karlovsky (1995), *The Rise of Civilization*, pp. 119-233; Datta (1996), *The Indus Valley Civilization*; Possehl (1999), *Indus Age, The Beginnings*.
- سید سجادی (۱۳۷۴)، باستان‌شناسی و تاریخ بلوچستان، ص ۱۲۵-۱۹۳.